



که از سر اخلاص و تواضع، اینجا دیده و حتی شنیده نمی‌شوند و در سکوت، بار یک ملت را بر دوش می‌کشند و درست وقتی دانشگاه‌های معتبر جهان به دلایلی، و سرویس‌های اطلاعاتی جهان به دلایل دیگری، سال‌ها رد پای آنان را می‌زنند، در داخل هم اهانت می‌بینند و تهدید می‌شنوند. نام شهید محسن علناً در فهرست ۵۰۰ شخصیت قدرتمند جهان در نشریه امریکایی فارن پالیسی منتشر شده بود. چه استعداد‌های جهادی و نبوغ‌های انقلابی که تا وقتی دشمن نامشان را نبرده یا خونشان را نریخته، به اهمیت آنان پی نمی‌بریم و تا میان ما هستند، گویی نیستند و آنگاه که کف خیابان، تیرباران می‌شوند، محترم می‌شوند؛ احترامی نمایشی، سمبلیک، خیلی ملی و بی‌ضرر و آنقدر خنثی که نتوان سخنانشان را حتی تکرار کرد.

می‌خواهند از قاسم سلیمانی‌ها و محسن فخری‌زاده‌ها مجسمه‌هایی بسازند که محترم باشد اما چیزی نگویید. آیا می‌شود گفت با سلیمانی و فخری‌زاده در حیاتشان چه بحث‌ها می‌شد و پس از تکه‌تکه شدنشان بود که قاسم جان و آقا محسن شدند؟

۱۱- از همسر شهید نقل شد که وقتی در خون خود دست و پا می‌زده، بیشتر نگران محافظانش بوده و با فریاد از آنان خواسته جلو نیایند تا آسیب نبینند. همکارانش گفتند گرچه دو نخست‌وزیر رذل صهیونیست علناً نام دکتر فخری‌زاده را به عنوان هدف اعلام کرده بودند و امریکایی‌ها و کارگزارانشان تشنه به خون او بودند در داخل کشور نیز تحت فشار و ایذا بود. به نام برجام دست‌هایش را بستند و با دست بسته، هدف مسلسل تروریسم دولتی غرب قرار گرفت و مخالفان داخلی پروژه او نه حاضر به مناظره بودند و نه مسئولیت تصمیم‌های خود را می‌پذیرند.

ترور، مجاهد بود و مجاهد ماند. و این هنر «مجاهد ماندن» تا پایان رادست‌کم نگیرید. بودند مجاهدین سابق که قاعدین امروز و سپس خائنین لاحق شدند، در معرکه (ثم استقاموا) بی‌توفیق ماندند، از کارنامه جهادی انقلاب و حتی از سابقه مختصر خود شرم‌منده‌اند آنان که آلوده «جاه و مقام» یا «مال و منال» و «اشرافی‌گری و فساد» شدند و آنگاه با تعابیر روشنفکری مسروقه از متون ترجمه‌ای، عفونت درون را با ادوکلن پذیرفتنی می‌کنند، قبله‌هایی که عوض شده، ذهن‌هایی که تسلیم شده، گناهای که توجیه شده و شاید خیانت‌هایی که کم‌کم عادی شده است.

۱۰- چه بسیارند شخصیت‌های علمی و جهانی در ایران، گوهرهای نایاب اما گمنام و بی‌نام، خادم ایران و ایرانی

”

و اما آن فیزیکدان عارف مسلک مجاهد در خصوص نقطه یا نقاط وصل یا فصل "فیزیک" و "متافیزیک"، تئوری‌های متنوعی را قابل بررسی می‌دانست. در دهه ۶۰ در جبهه کردستان، هم می‌جنگید وهم برای هم‌زمانش، نشست "حافظ خوانی" داشت؛ انس هم‌زمان با شعر و با فیزیک، طرفه بود

